

نقش حکومت و قوانین بین الملل در سبک زندگی اسلامی؛ با رویکرد «اصلاح اجتماعی»

محمد کاویانی آرانی*

دانشیار گروه روان‌شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.

m_kavyani@rihu.ac.ir

چکیده

هدف از این پژوهش کشف و تبیین نقش حکومت و قوانین بین الملل در «سبک زندگی اسلامی» با رویکرد «اصلاح اجتماعی» است و سؤال پژوهش این است که حکومت اسلامی و قوانین بین الملل چه مقدار و چگونه در سبک زندگی مردم و جامعه ایفای نقش می‌کنند؟ گردآوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی و تحلیل داده‌ها به صورت عقلی و نظری با روش‌مندی مطالعات اسلامی انجام شده است. بعضی از یافته‌ها عبارت‌اند از: ۱. سبک زندگی اسلامی در پنج مقیاس فردی، خانوادگی، اجتماعی، حکومتی و بین‌المللی قابل بررسی است؛ ۲. این پنج مقیاس به صورت دایره‌های متحدالمركز قابل نمایش هستند؛ ۳. حکومت و قوانین بین الملل تقریباً دایره‌های دیگر را در درون خود هضم می‌کنند؛ ۴. بدون وجود حکومت اسلامی، داشتن سبک زندگی اسلامی کامل، حتی در مقیاس فردی، ممکن نیست؛ ۵. اراده حکومت اسلامی باید در قالب قوانین و مقررات و نهادها و سازمان‌ها و غیره متجلی شود.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، اصلاح اجتماعی، حکومت اسلامی، روابط بین الملل، روان‌شناسی اسلامی.

مقدمه

موضوع سبک زندگی یکی از مسائل مهم در جامعه اسلامی و دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (دام‌زله) است. ایشان در اولین سخنان خود راجع به سبک زندگی، لیست مفصلی از مسائل اجتماعی را نام بردند که در این مقاله به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود. موضوعاتی مانند «خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، لباس، خوراک، آشپزی، الگوی مصرف، تفریح، خط، زبان، کسب‌وکار، رفتار در دانشگاه، مدرسه، سیاست، ورزش، رسانه، رفتار با پدر و مادر، همسر، فرزند، رئیس، مرئوس، پلیس، دوست، دشمن، بیگانه، مأمور دولت، سفر، نظافت، طهارت» بخش‌های اصلی تمدن محسوب می‌شوند. پس از اولین سخنان ایشان در این مورد، سیل مقالات، مصاحبه‌ها، مناظره‌های تلویزیونی و غیره به‌سوی فضای علمی و رسانه‌ای و بازار نشر روانه شد. بسیاری از پژوهش‌های «قبلاً انجام‌شده» با نام «سبک زندگی» منتشر شد؛ اما دقت در کارهای انجام‌شده نشان می‌دهد که گویا رویکرد غالب، رویکردی مفهومی و نظری بوده است؛ اما نگارنده در این مقاله، چنین می‌پندارد که مسئله «سبک زندگی» از جنس مسائل مفهومی و نظری صرف نیست تا با کارهای علمی و بررسی‌های مفهومی حل شود، بلکه از جنس «اصلاح اجتماعی» است و نیاز به عزم ملی و اقدام در میدان نظر و عمل به‌صورت هم‌زمان دارد. سخنان امام خامنه‌ای نیز در سطح «اصلاح اجتماعی» است نه بحث مفهومی.

در سامانه کتابخانه ملی، بیش از چهارصد اثر با تعبیر «سبک زندگی» در روی جلد یافت می‌شود؛ سیصد مورد از آن‌ها از طریق عنوان کتاب، فهرست مطالب و گاهی نگاه به صفحات کتاب بررسی سریع شد. به عدد انگشتان یک دست کتاب یافت نشد که در سطح کلان به سبک زندگی اسلامی پرداخته باشد و به راهکارهای عملی برای شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی در بلندمدت توجه کرده و به دنبال مکانیسم‌ها و فرایندهای عملیاتی کردن سبک زندگی اسلامی در کل جامعه بوده باشد.

بعضی از رساله‌ها و کتاب‌ها به «راهکارها» و «ابعاد مختلف» یا «تغییر» سبک زندگی اشاره‌ای داشته‌اند؛ اما هر کدام از آن‌ها در مواردی جزئی سخن گفته‌اند. به‌عنوان مثال، در همایش ملی «نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی»، که چکیده مقالات آن توسط احمد فیروزی و سمیه محسنی (۱۳۹۳) آماده‌سازی شده، به چند راهکار اقتصادی اشاره شده است. در بعضی از مقالاتی که در همایش سبک زندگی اهل بیت (علیه‌السلام) ارائه شده است، اشاره‌ای به کیفیت استخراج «سبک زندگی معاصر» از احادیث و سیره معصومین (علیه‌السلام) شده است. نیک‌نام راد (۱۳۹۵) تلاش کرده است که از سبک زندگی فردی خارج شود و به ابعاد خانوادگی و تأثیر رسانه در سبک

زندگی‌نگاهی داشته باشد. کبری میرزایی (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر تلویزیون بر «تمایل معلمان به تغییر سبک زندگی» اقدام کرده و معصومه حسن‌آبادی (۱۳۹۷)، به ابعاد نه‌گانه سبک زندگی اشاره کرده است.

سبک زندگی تجویزی اسلام به شیوه‌های نسبتاً ثابت افراد، گروه‌ها، جوامع و حکومت‌ها، در پیگیری اهداف زندگی روزمره و حل مشکلات پیش‌رو اشاره دارد که از آموزه‌های اسلامی به شیوه اجتهادی^۱ حاصل می‌شود و براساس یک «سیستم مفهومی جامع»،^۲ منسجم و هماهنگ، تمام زوایای زندگی را در مقیاس «فردی»، «خانوادگی»، «اجتماعی»، «حکومتی» و «بین‌المللی» پوشش می‌دهد. دنیا و آخرت، مادیت و معنویت، علوم بشری و علوم اسلامی، را به صورت درهم‌تنیده و یکپارچه ملاحظه می‌کند و پیروان خود را به سوی اهدافی غایی مثل «قرب الهی»، «کمال‌خواهی» و غیره سوق می‌دهد؛ این سبک (در مقیاس فردی) در قالب یک درخت نمایش داده می‌شود که ریشه‌های آن مربوط به شکل‌گیری و ساقه آن مربوط به نگرش‌های کلی زیربنایی و شاخه‌ها و سرشاخه‌های آن مربوط به بُعد رفتاری سبک زندگی است. این دیدگاه قابلیت کمی‌سازی و ارزیابی میدانی را نیز توسط «آزمون سبک زندگی اسلامی» (ILST)^۳ در مقیاس فردی فراهم آورده است (کاوایی، ۱۳۹۱: ص ۲۵۰)؛ در مقیاس خانوادگی، از دیدگاه تفسیری و فقهی حضرت آیت‌الله جوادی آملی مورد بررسی تفصیلی قرار گرفته و در قالب یک مقاله و یک نمودار به نمایش گذاشته شده است (کاوایی و حاجیانی، ۱۳۹۵: صص ۱۳۲-۱۰۵). در مقیاس اجتماعی نیز در قالب یک مقاله، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است (کاوایی و فولادی، ۱۳۹۵: صص ۴۰-۲۷)؛ نگارنده در این پژوهش درصدد است تا سبک زندگی اسلامی در مقیاس حکومتی و بین‌المللی را مورد بررسی اجمالی قرار دهد.

سطوح پنج‌گانه ذکرشده را می‌توان در دایره‌های متحدالمركز، از درونی‌ترین یعنی «فرد» تا بیرونی‌ترین یعنی «فضای بین‌الملل» بررسی کرد. هرکدام از دایره‌ها مؤثر بر و متأثر از دایره‌های دیگر هستند. تغییر دایره‌های درونی، شرط لازم برای تغییر دایره‌های بیرونی هستند، اما شرط کافی نیستند. درستی سبک زندگی افراد یا خانواده‌ها الزاماً سبک زندگی اجتماعی، حکومتی و بین‌المللی را درست نمی‌کند؛ بلکه نادرست بودن سبک زندگی در مقیاس حکومتی و بین‌الملل تأثیری بسیار

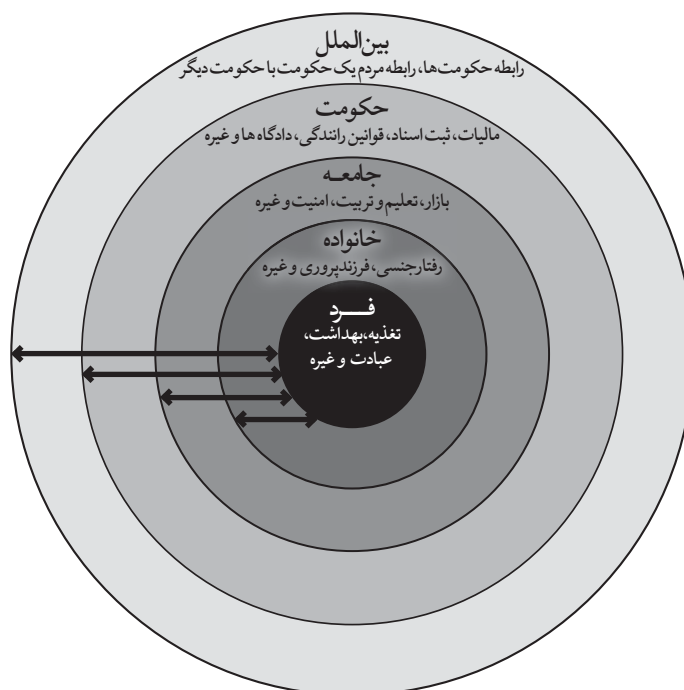
۱. روش اجتهادی که اصالتاً در فقه به‌کار رفته است، در علوم انسانی اسلامی نیز (با تفاوت‌هایی) قابل اجراست که در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است.

2. Extensive Conceptual System

3. Islamic Life Style Test

اساسی بر سبک زندگی افراد و خانواده دارد.

این دیدگاه، در ضمن مقیاس‌های پنج‌گانه، به تمام موضوعات ریز و درشت سبک زندگی انسان‌ها توجه می‌کند و نگاه جهانی به سبک زندگی دارد. تأثیر و تأثر بین زندگی فردی و اجتماعی را مورد لحاظ قرار می‌دهد (کاویانی و فولادی، ۱۳۹۵: صص ۲۷-۴۰). موضوعات زندگی را به صورت عینی و با توجه به اقتضائات امروزی (نه تنها مفهومی و نظری) می‌نگرد و در موضوع‌یابی دینی، به تمام منابع روایی، اخلاقی، فقه استدلالی و عملی و غیره (متن یا فهرست) مراجعه می‌کند و حتی موضوعاتی که در زندگی روزمره در جامعه حضور ندارند، مثل «مواسات»، «عاقله»، «عقیقه» و غیره را نیز بررسی می‌کند؛ تمام آموزه‌های اسلامی به عنوان یک «سیستم مفهومی جامع» در نظر گرفته می‌شوند. در کنار تعاریف کلامی، فلسفی، عرفانی و فقهی که از «ایمان و اسلام» ارائه شده است، یک تعریف رفتاری دقیق نیز ارائه شده است که با تعاریف یادشده قابل جمع است و می‌توان آن را مورد سنجش قرار داد (کاویانی، ۱۳۷۷: صص ۱۱۵-۱۲۹). شکل زیر سطوح مختلف سبک زندگی و ارتباط آن‌ها در مقیاس‌های پنج‌گانه با یکدیگر را نشان می‌دهد.



شکل ۱. سبک زندگی در مقیاس‌های پنج‌گانه

مباحث مربوط به سبک زندگی در هرکدام از مقیاس‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، تا حد ممکن در بعضی مقالات و در دو کتاب سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن و درسنامه سبک زندگی اسلامی توسط این نگارنده و همکاران بررسی شده است. بعضی از موضوعات سبک زندگی مثل بهداشت هوا، بهداشت صوتی، رعایت پوشش‌های گیاهی و جنگل‌ها، آب و خاک، حیوانات و اکوسیستم جانوری، کیفیت رفتار با حیوانات و غیره نیز مشترک بین سطوح پنج‌گانه است؛ این امور در تمام سطوح باید رعایت شوند. آیات و روایات و سیره معصومین (علیهم‌السلام) و به تبع آن‌ها قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به این امور پرداخته‌اند؛ بنابراین، برای داشتن سبک زندگی اسلامی باید به این امور نیز نگاه اجرایی و عملیاتی داشته باشیم. براساس آنچه گذشت، بدون حکومت اسلامی و بدون اقدام عملیاتی نمی‌توان به این موضوعات امیدوار بود که سبک زندگی اسلامی در سطح وسیع اجرایی و عملیاتی شود؛ حتی اگر چهار دهه دیگر نیز از انقلاب بگذرد.

۱. مفهوم و ضرورت «اصلاح اجتماعی» از دیدگاه قرآن

با توجه به موضوعات و حیطه‌های متعدد و پراکنده‌ای که از یک‌سو در مطالبات صاحب‌نظران، از جمله امام خامنه‌ای، مطرح شده و از سوی دیگر، اکثریت ملت را که دغدغه «زندگی اسلامی» داشته و دارند به گلایه و شکوه کشانده است، مسلم شده است که «تغییر» مطلوب است. برای بیان انواع «تغییر»، اصطلاحات متعددی مثل «انقلاب»،^۱ «اصلاح اجتماعی»،^۲ «شورش»،^۳ «کودتا»،^۴ «نهضت»،^۵ «تجدید نظر طلبی»^۶ و غیره در جامعه‌شناسی مطرح شده است. در اینکه تغییر مورد نیاز جامعه ما چگونه باید رخ دهد و آن را چه باید بنامیم، آن قدر تفاوت دیدگاه وجود دارد که خود پژوهشی مستقل می‌طلبد. قابل یادآوری است که بسیاری از آسیب‌های موجود در جامعه ایران، میراث فرهنگ قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است؛ به عبارت دیگر، این آسیب‌ها، که بیشتر آن‌ها در آسیب‌های فرهنگی ریشه دوانده‌اند، از مراحل انتهایی انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند که هنوز عملیاتی نشده‌اند؛ لکن از آنجاکه چهار دهه از انقلاب گذشته و ضرورت دارد که با نسل

1. Revolution
2. Social Reform
3. Revolt
4. Coupdetat
5. Movement
6. Revisionism

سوم و چهارم بعد از انقلاب سخن گفته شود، از منظر نسل‌های جدید، تعبیر «اصلاح اجتماعی» مناسب‌تر دارد. ویژگی‌های «اصلاحات» در مقابل «انقلابات» عبارت است از اینکه نارضایتی‌ها ناظر به اشتباهات و کمبودهاست، علیه نظام موجود و آرمان‌ها نیست، نیازمند گفت‌وگو و ارائه نقدها و نظریه‌های ناظر به مسائل جامعه است، پدیده‌ای تدریجی و پوسته‌پوسته است، ناظر به آراستن و پیراستن است، مستلزم ایجاد بعضی نهادها و سازمان‌های جدید است. اصلاحات موردنظر این پژوهش، عبارت از اصلاحاتی است که مورد تأیید و تأکید قرآن و روایات است. از دیدگاه قرآن، «اصلاح طلبی» راهبرد اصلی حرکت پیامبران است. شعیب پیامبر می‌گوید: «من هیچ اراده و انگیزه و مقصدی جز اصلاح - هر آن قدر که بتوانم - ندارم و موفقیتم جز به دست خدا نیست...»^۱. «اصلاح» در قرآن گاه به خداوند^۲ و گاه به بندگان او نسبت داده شده که بیشترین کاربرد آن در قرآن از قسم دوم است.^۳ مراد از اصلاح، انجام کاری است که فساد را برطرف می‌کند یا زمینه بروز آن را از بین می‌برد. گاهی سخن از اصلاح نفس است؛ گاهی سخن از اصلاح ذات‌البین است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱: ص ۵۴۴) و گاهی سخن از اصلاح اجتماعی است که به معنای تغییر در جهت تأمین برابری اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و گسترش دامنه اشتراک سیاسی در جامعه است. در کاربردهای قرآنی، «اصلاحات» با معنای «رفرم» در علوم سیاسی انطباق ندارد. از نظر امام علی (علیه السلام)، «اصلاح طلبی» فلسفه تشکیل حکومت است (نهج البلاغه: خطبه ۱۳).
واژه اصلاح و دیگر مشتقات ماده «صلح» از جمله صلاح، صالح، مصلح و صلح حدود هشتاد مرتبه در قرآن مطرح شده است. می‌توان در یک دسته‌بندی موضوعی، بعضی مواردش را چنین برشمرد: مصالحه و گذشت،^۴ رفع نزاع بین دو نفر، رفع اختلافات خانوادگی،^۵ جوان کردن پیر و رفع نازایی،^۶ احسان به والدین،^۷ توبه و جبران گذشته،^۸ تقوا و انجام دادن عمل صالح،^۹ امر به معروف و

۱. «...إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ» (هود: ۸۸).

۲. «وَ أَصْلَحَ بِأَلْفِهِمْ» (محمد: ۲)؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ» (یونس: ۸۱)؛ «يُصْلِحُ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ» (احزاب: ۷۱).

۳. «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۱۶۰).

۴. «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ...» (نساء: ۱۱۴).

۵. «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ...» (نساء: ۱۲۸).

۶. «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَ أَصْلَحْنَا لَهُ وَ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ...» (انبیاء: ۹۰).

۷. «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا... أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدِي وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ...» (احقاف: ۱۵).

۸. «...مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (انعام: ۵۴).

۹. «يَا بَنِي آدَمَ إِذَا يَأْتَيْكُمْ زُجُلٌ مِنْكُمْ يَقْضُونِ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ اتَّقَى وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (اعراف: ۳۵).

نهی از منکر^۱ و قبولی اعمال^۲. اگر اصلاح را همراه با ریشه‌آن «اصلاح» در نظر بگیریم، با بسیاری از مفاهیم دیگر قرآنی مانند احسان، فلاح، خیر و برّ، و مفاهیم متضاد با آن‌ها همانند فساد، سیئه، شر و غیره رابطه بسیار نزدیکی خواهد یافت.

اگر انسان در مسیر صلاح و اصلاح باشد، دنیا و آخرتش آباد می‌شود و زمین را به ارث می‌برد.^۳ از دیدگاه قرآن، نکات زیادی را در باب اصلاح اجتماعی می‌توان مورد استفاده قرار داد. مواردی مثل: ۱. وجود اصلاح‌گران اجتماعی در هر جامعه ضروری است؛ اما آنان همواره در اقلیت بوده‌اند. قرآن می‌فرماید: «چرا در قرون (واقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آن‌ها که نجاتشان دادیم!»^۴. ۲. اگر اهل یک جامعه به فکر اصلاح اجتماعی باشند، خداوند آن قوم را به ستم ناپود نمی‌کند.^۵ ۳. لازم است که با اصلاح‌گران دروغین مبارزه شود. در هر جامعه، گروهی مدعی اصلاح‌گری هستند که قلب‌بشان مهر شده و فاقد قوه ادراکی سالم هستند؛^۶ آنان می‌گویند فقط ما مصلح هستیم.^۷ ۴. اصلاح‌گران اجتماعی ویژگی‌هایی دارند، از جمله اینکه به قرآن تمسک می‌کنند و نماز را برپای می‌دارند^۸ و اصلاحاتشان مبتنی بر آموزه‌های قرآن است. ۵. خداوند به مصلحان پاداش خاص می‌دهد. قرآن بیان می‌کند که مصلحان واقعی دارای پاداشی تضمین‌شده از جانب خدا هستند.

۲. جایگاه حکومت صالح در سبک زندگی اسلامی

نهاد «حکومت» یکی از نهادهای اصلی است که بر بسیاری از نهادها و سازمان‌های دیگر حاکمیت دارد. در سبک زندگی تجویزی اسلام، مسلمانان در هر سرزمینی که امکان آن را داشته باشند، موظف به تشکیل حکومت هستند. وطن‌دوستی جزء ایمان است (حرالعالمی، ۱۴۱۶، ج ۳: ص

۱. «...وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكُكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ...» (هود: ۸۸).

۲. «يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...» (احزاب: ۷۱).

۳. «...أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵).

۴. «فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ...» (هود: ۱۱۶).

۵. «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِیُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ...» (هود: ۱۱۷).

۶. «حَتَّمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً... يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ، فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا...» (بقره: ۷-۱۰).

۷. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (بقره: ۱۱).

۸. «وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (اعراف: ۱۷۰).

۱۱۸).^۱ قرآن از قول مؤمنان می‌گوید: چرا در راه خدا جنگ نکنیم، درحالی‌که ما را از «سرزمینمان» بیرون کرده‌اند.^۲ از «دارالاسلام» یا «کشور اسلامی» تعاریف مختلف شده است؛ تعریف جامع و مختار این‌گونه است که «کشور اسلامی آن است که: ۱. در اختیار مسلمانان باشد؛ ۲. احکام اسلام در آن اجرا شود؛ ۳. مسلمانان و هم‌پیمانان آن‌ها در آن در امان باشند؛ ۴. اکثر مردم آن مسلمان باشند. دولت اسلامی عضوی از جامعه بین‌المللی است و در سیاست خارجی خود، با ضرورت‌ها و تنگنانهایی مشابه دیگر دولت‌ها مواجه است. تأمین استقلال و تحکیم روابط با دیگر کشورها به منظور بسط قدرت، از مهم‌ترین اهداف ملی دولت اسلامی تلقی می‌شوند (حقیقت، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵).

ضرورت حکومت اسلامی را پیش‌فرض می‌گیریم و به توضیح آن نمی‌پردازیم؛ اجرایی شدن امر به معروف و نهی از منکر، خلافت در زمین، اقامه قسط، حکومت عادلانه، حکومت مستضعفان، اقامه حدود الهی، قصاص، دیات، تعزیرات، مدیریت اموال عمومی، زمین‌های انفال، گرفتن واجبات مالی و صرف آن در مصالح مسلمین، اقامه عبادات اجتماعی (مثل نمازهای یومیه، نمازهای عید فطر و قربان، استسقا و خسوف و کسوف)، متوقف بر استقرار حکومت اسلامی است امام خمینی (رحمة الله علیه) معتقدند که: ۱. اجرای دستورهای اسلام نیازمند حکومت است؛ ۲. اقامه حکومت و مقدمات آن... بر همگان لازم است؛ ۳. در عصر غیبت، فقهای جامع‌الشرایط حاکمان الهی‌اند؛ ۴. در حکومت اسلامی احکام حکومتی بر همه احکام فرعی تقدم دارند؛ ۵. حفظ نظام اسلامی بر همگان واجب است، حکومت در نظر مجتهد، فلسفه عملی تمامی فقه در تمام زوایای زندگی و محل تلاقی فقه با مسائل اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است (امام خمینی، ۱۳۹۲).

۳. وظایف سبک زندگی در مقیاس حکومتی

در صورت وجود حکومت اسلامی، وظایفی مطرح می‌شود که به ارتباطات افراد و گروه‌ها با حکومت و بالعکس مربوط می‌شود؛ این وظایف را از دو طریق کلی می‌توان شناسایی کرد:

الف - وظایفی که مستحدثه است و بروز و ظهورش مربوط به زندگی معاصر است؛ تمام ادارات و نهادها و سازمان‌هایی که زیر مجموعه قوای سه‌گانه حکومت هستند، چتر خود را بر تمام زندگی مردم گسترده‌اند. با قدری مسامحه می‌توان گفت که خانواده یا فرد یا گروه‌هایی وجود ندارند

۱. «حب الوطن من الایمان» (حرالعالمی، ج ۳: ص ۱۱۸).

۲. «وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا...» (بقره: ۲۴۶).

که بتوانند بدون ارتباط و بدون نیاز به حکومت، زندگی خوب و سالمی را سپری کنند؛ حکومت در هر استان، شهر و روستا نماینده دارد؛ تأثیرات حکومت در سبک زندگی افراد بیشتر از آن است که بشود آن را شمارش کرد. مثلاً تأثیر حکومت در کم و کیف انتشار کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌ها در بلندمدت، فرهنگ، علم و سبک زندگی افراد را جهت می‌دهد. تصمیمات حکومت در خصوص فضای مجازی اعم از تولیدات، واردات و ممیزی نرم‌افزارها، ماهواره‌ها، اینترنت، شبکه‌های تلویزیونی متعدد داخلی می‌تواند در بُعد فرهنگی، هویت‌ساز باشد؛ وزارت‌های آموزش و پرورش، علوم، بهداشت و غیره تعیین‌کننده بزرگراه‌های حرکت علمی یک کشور در آینده دیر یا زود خواهند بود. حاکمیت می‌تواند از این طریق جامعه را اعتلا بخشد یا آن را در حد یک زندگی زمینی بدون معنویت و آخرت تقلیل دهد. تربیت بدنی و ورزش و مسابقات و تفریحات، بوستان‌ها و تفرجگاه‌ها و فضاهای سبز و غیره نیز تاحدزیادی تحت تأثیر مستقیم حاکمیت و جهت‌دهنده بخشی از سبک زندگی‌های افراد است.

یک فرد از ابتدای نوزادی و حتی گاهی قبل از ولادت و در ترتیب ولادت و پیامدهای آن، تحت تأثیر حکومت است. هر فرد باید شناسنامه و کارت هویت بگیرد و به رسمیت شناخته شود. درصد بسیاری از امور زندگی متوقف بر هویت حکومتی است؛ مالکیت و انواع معاملات تحت کنترل حکومت است؛ امکان سفر خارجی برای تحصیل، اشتغال، جهانگردی، درمان، زیارت و غیره در اختیار دولت است؛ ارزش پول کشور از طریق سیاست اقتصادی دولت تنظیم می‌شود؛ قوانین رانندگی، تعداد اتومبیل‌هایی که سالیانه تولید و وارد جاده‌ها و خیابان‌های شهری می‌شود و حتی سیاست‌گذاری در این باب که در کدام منطقه چگونه و چه مقدار جاده‌سازی شود و کدام منطقه در بن‌بست نگه داشته شود یا حالت ترانزیت به خودش بگیرد، امور قضایی، بیمه، بازنشستگی، مالیات، هزینه‌های عمومی و غیره همه از اقتضانات داشتن یک حکومت است. حکومت بدون این‌ها نمی‌تواند باقی بماند و اکثر این‌ها بدون حکومت شکل نمی‌گیرند. اگر ذهن و قلم در این مسیر رها شود و به تأثیر حکومت در ریزودرشت امور زندگی پرداخته شود، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد.

ب- در متون دینی، وظایفی به صورت کلان برای حکومت شمرده شده است؛ در حکومت اسلامی، می‌توان به اجرای حدود، قصاص، تعزیرات، مقابله به مثل و غیره، که از مسائل مهم سبک زندگی اسلامی هستند، امیدوار بود. دفاع و امنیت، رفاه عمومی و اموری مثل آب، برق، گاز، تلفن بیشتر در سبک زندگی در مقیاس حکومتی مصداق پیدا می‌کنند. تکفل امور اموالی مثل زمین‌های موات، آب‌ها و جنگل‌ها، کوه‌ها و صحراها، که بخشی از سبک زندگی اسلامی است، فقط در سایه حکومت امکان‌پذیر می‌شود. دسترسی به علوم و فناوری جدید امروزی و ارتباط مفید و متعارف با

دیگر ملت‌ها و دیگر حکومت‌ها فقط از کانال حکومت امکان‌پذیر می‌شود؛ بنابراین، اگر بخواهیم سبک زندگی اسلامی در تمام ابعاد مورد نظر اسلام را طراحی و اجرا کنیم، باید «سبک زندگی اسلامی در مقیاس حکومتی» را نیز به تفصیل مورد بررسی قرار دهیم و تأثیرات آن بر زندگی‌های فردی را به رسمیت بشناسیم و به لوازم آن پایبند باشیم و مکانیسم‌ها و فرایندهای عملیاتی‌سازی آن را مورد توجه قرار دهیم.

۴. مکانیسم‌های تغییر سبک زندگی، در مقیاس حکومتی

مکانیسم‌های تغییر در مقیاس‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، در نوشته‌های قبلی نگارنده،^۱ مورد اشاره قرار گرفته است؛ در اینجا به اختصار، به مکانیسم‌های مربوط به مقیاس حکومتی و بین‌المللی اشاره می‌شود. به طور کلی، سازمان و مدیریت در سه سطح قابل تحلیل است: ۱. افراد در درون گروه‌ها، که روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی صنعتی، روان‌شناسی سازمانی و رفتار سازمانی در این سطح قرار می‌گیرند و متکفل بررسی آن هستند؛ ۲. گروه‌ها در درون سازمان‌ها، که پویایی‌های گروهی در روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی از کانون‌های محوری این مطالعات هستند؛ ۳. سازمان‌ها در درون نهادها، که جامعه‌شناسان سازمانی، سازمان‌ها را در این سطح تحلیل می‌کنند؛ مفاهیمی مثل محیط سازمانی، مسئولیت اجتماعی، مشروعیت سازمانی، نظریه نهادی، اکولوژی جمعیت سازمان‌ها و مدیریت استراتژیک در این سطح قرار می‌گیرند (قلی‌پور، ۱۳۸۴). ما برای تغییر و اصلاح سبک زندگی در مقیاس حکومتی نیاز داریم که مباحث «ساختار دادن» و «نهادینه کردن» را از سطح اول و دوم فراتر برده و به سطح سوم نیز نگاه جدی داشته باشیم؛ نیاز داریم که «واحد تغییر» و «اصلاح» را از فرد و گروه، به سازمان و تغییرات سازمانی گسترش دهیم؛ باید علاوه بر سؤالات مربوط به دو حیطه اول و دوم، به دنبال پاسخ به سؤالات حیطه سوم هم باشیم؛ سؤالاتی از این قبیل که چه سازمان‌هایی باید ایجاد شود؟ چه سازمانی باید تغییر کند؟ چه سازمانی باید به طور کلی از بین برود؟ قوانین، مقررات و اهداف درونی هر کدام از این سازمان‌ها چگونه باید باشد؟ هر کدام از این تغییرات چگونه باید صورت پذیرد؟ «مشروعیت نهادی» را چگونه به دست بیاورند؟ چگونه در مقابل نهادهای قدیمی «استمرار» و «انعطاف‌پذیری» و «انحلال‌ناپذیری» را حاصل کنند؟ چگونه ارتباط خود را با «ارزش‌ها»، «هنجارهای اجتماعی» و «رفتارهای نهادینه شده افراد» برقرار کنند؟

۱. برای مثال، تعداد بسیاری از این مکانیسم‌ها در کتاب روان‌شناسی و تبلیغات، با تأکید بر تبلیغ دینی مورد بررسی قرار گرفته است (کاویانی، ۱۳۹۹، چاپ هشتم).

اعمال، مقررات و ساختارها با نرخ متفاوتی در طول زمان نهادینه می‌شوند و با درجات متفاوتی از ثبات دوام می‌آورند؛ این نرخ زمانی و درجه ثبات، در باب سازمان‌ها دقیق‌تر خواهد بود. نهادینه کردن این سازمان‌ها مبتنی بر اقتدار باشد یا قدرت؟ ترکیب متوالی نفوذ و انضباط و ترکیب متوالی خشونت و سلطه، نتایج سریع‌تر و باثبات‌تری در نهادی کردن دارند؛ همان‌طور که قدرت الکتریکی به اشکال متنوعی همچون نور، حرارت و حرکت متجلی می‌شود، قدرت اجتماعی نیز به صورت‌های گوناگونی نظیر خشونت، زور، سلطه، انضباط، کنترل، نفوذ و اقتدار جلوه می‌کند. از بین اشکال متنوع قدرت، اقتدار که قدرت مشروعیت یافته است، ملازم بیشتری با نهادینه شدن دارد (قلی‌پور، ۱۳۸۴: ص ۱۳۳)؛ بنابراین، معلوم است که حکومت و حاکمیت اسلامی به مقدار زیاد در شکل‌دهی سبک زندگی‌های افراد اثرگذار است؛ به عبارت دیگر، با نبودن حاکمیت اسلامی، درصد بسیاری از آموزه‌ها و معارف اسلامی بر زمین می‌ماند و زندگی‌های فردی هم از اسلامی بودن فاصله بسیار می‌گیرد.

۵. تأثیر فضای بین الملل در سبک زندگی

علاوه بر حکومت داخلی هر کشور، فضای بین الملل نیز به انحای مختلف ممکن است سبک زندگی یک ملت را تحت تأثیر قرار دهد؛ این تأثیر و تأثر ریشه در ارتباطات دوجانبه‌ای دارد که از نظر اسلام، ضرورت دارد و غیرقابل اغماض است؛ از یک سو، اسلام جهان‌شمول است و با همه مردم جهان سخن می‌گوید و برای هدایت همه بشر آمده است؛ بنابراین، مخاطبان در سراسر دنیا را به عکس‌العمل‌های مثبت یا منفی وامی‌دارد؛ از سوی دیگر، حتی اگر اسلام جهان‌شمول نمی‌بود، باز هم به لحاظ انسانی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و غیره تکالیفی برای مسلمانان تعریف کرده است که ارتباطات بین المللی مسلمانان با غیر مسلمانان را اقتضا می‌کند؛ از سوی سوم، دانسته یا نادانسته، خواسته یا ناخواسته، حتی اگر تکالیف اسلامی هم ما را ملزم به ارتباطات بیرونی نمی‌کرد، باز هم هر کشور اسلامی، ذیل نظامات بین المللی تعریف می‌شود و تأثیر و تأثر دارد؛ اگر مسلمان هم نبودیم، باید تعامل می‌کردیم. بر این اساس، به نکات یادشده اشاره‌ای مختصر می‌شود.

الف - جهان‌شمولی اسلام

جهان‌شمولی اسلام با ارائه چند نکته بیشتر روشن می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. قرآن خودش را

جهانی معرفی می‌کند.^{۲۱} قرآن زبان جهانی دارد.^{۳۲} رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جهانی است. دین اسلام فطری است و چون فطرت انسان تغییر نمی‌کند، اسلام هم تغییرناپذیر است. این جهان‌شمولی بر نوع تعامل اثر می‌گذارد؛ مثلاً اگر بین اهداف ملی و اقدامات فراملی تزاخمی به وجود آید، نظام‌های غیرایدئولوژیک اولویت را به اهداف ملی می‌دهند؛ اما نظام اسلامی، علاوه بر اهداف ملی، خود را به اهداف بلند مکتب اسلامی نیز متعهد می‌داند. «... خداوند پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر همه ادیان قبلی پیروز گرداند، هرچند مشرکان را خوش نیاید»^{۳۳} (حقیقت، ۱۳۸۶). از آنجاکه دین اسلام جهان‌شمول است، اصولی را برای روابط بین‌المللی قرار داده است.

بعضی از پژوهشگران شش اصل عملیاتی را نام برده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. مصلحت: در دولت اسلامی، «مصلح ملی» اعم از «منافع ملی» و «مسئولیت‌های فراملی» است (حقیقت، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲).
۲. دفاع از مسلمانان و مستضعفان: مثلاً این تکلیف همه مسلمانان است که قدس را آزاد کنند و شرّ این جرثومه فساد (اسرائیل) را از سر بلاد اسلامی قطع کنند (امام خمینی، بی تا، ج ۴).
۳. نفی ولایت کافران بر مسلمانان و قاعده نفی سبیل.
۴. وفا به تعهدات بین‌المللی به ضرورت عقلی و به دلیل آیات متعدد.
۵. همزیستی مسالمت‌آمیز به دلیل عقلی و آیات و مفاهیم متعدد مثل تألیف قلوب، عتق، فک رقبه، حضور دولت اسلامی در مجامع بین‌المللی وغیره.
۶. مصونیت دیپلماتیک مثل مصونیت دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دو پیک مسیلمه کذاب که خودشان نیز مسیلمه را تأیید کردند (همدانی، ۱۳۶۱). هر کدام از این اصول، خطوط و مرزهایی برای تعامل کشور اسلامی با کشورهای دیگر را معلوم می‌کند که بر زندگی شهروندان تأثیر زیاد دارد.

ب- تکالیف اسلامی در فضای بین‌الملل

ازسوی دیگر، اگر اسلام جهان‌شمول هم نمی‌بود، باز هم تکالیفی را برای مسلمانان مشخص کرده

۱. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبأ: ۲۸).

۲. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» (نساء: ۱)؛ «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا...» (اعراف: ۱۵۸).

۳. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳).

است که به آن سوی مرزها مربوط می‌شود؛ همین که مسلمانان می‌خواهند به این تکالیف عمل کنند، بیش از پیش، ذیل قوانین بین الملل تعریف می‌شوند و تأثیر و تأثر خواهند داشت. این سخنان نیز ممکن است در چند قالب بررسی شود که عبارت‌اند از:

- رابطه حکومت‌ها با یکدیگر: براساس تکالیف اسلامی، کشور اسلامی حق ندارد خود را منزوی کند، بلکه باید براساس سه معیار اساسی «عزت، حکمت و مصلحت» روابط بین‌المللی‌اش را تنظیم کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)؛ اصول دیپلماسی اسلام با دیپلماسی غیراسلامی متفاوت است؛ به‌عنوان مثال، بعضی از اصول دیپلماسی پیامبر عبارت بود از: تبلیغ و دعوت به اسلام، حمایت از مستضعفان، متحدسازی مسلمانان، تأمین امنیت، احترام به قراردادهای و پیمان‌ها و غیره (سجادی، ۱۳۸۳: ص ۱۹۱). نباید نسبت به امور دیگر مسلمانان بی‌توجه باشیم^۱ باید با همه عالم روابط حسنه داشته و منزوی نشویم؛ راه‌های تسلط کافران بر مؤمنان را ببندیم.^۲ به کافران اعتماد و تکیه نکنیم.^۳ هدف نهایی زندگی را بشناسیم و در راه رسیدن به آن تلاش کنیم.^۴ با مؤمنان محبت و با کافران شدت داشته باشیم.^۵ آمادگی داشته باشیم در حدی که دشمنان بترسند.^۶ ظلم نکنیم و ظلم نپذیریم.^۷ بین گروه‌های مختلف اسلامی ایجاد صلح کنیم^۸ (قربانزاده، ۱۳۸۶: ص ۱۵۳)؛ بدیهی است که حکومتی که بخواهد این امور را رعایت کند، مورد معارضه، خشم و مزاحمت بعضی کشورهای دیگر قرار می‌گیرد و این خشم و مزاحمت به زندگی‌های مردم مسلمان سرریز می‌شود و سبک زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

- توجه مؤمن به زندگی همه انسان‌ها: حتی با فرض عدم حکومت اسلامی، باز هم تک‌تک افراد تکالیفی دارند که موجب تغییر در سبک زندگی آنان می‌شود؛ یک مسلمان اگر نتواند هیچ اقدام عملی هم انجام دهد، حداقل تأثیرپذیری و تأثیرگذاری‌اش در سطح عاطفی شکل می‌گیرد؛ امام خمینی (رحمة الله علیه) می‌فرماید: «ما نمی‌توانیم حساب خودمان را از حساب سایر مسلمین

۱. «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ج ۲: ص ۱۶۴، ح ۵).
۲. «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱).
۳. «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود: ۱۱۳).
۴. «إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۴: ص ۲۷۶).
۵. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹).
۶. «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (انفال: ۶۱).
۷. «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ زُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹).
۸. «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَبْغِيَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ» (حجرات: ۹).

جدا کنیم. ما با این همه خسارتی که بر ما وارد شده است و این همه شهید که دادیم و معلول که دادیم و آواره که پیدا کردیم، همه این‌ها برای اسلام بوده است. ایران هم از باب اینکه کشور اسلامی است، ما این زحمات را برایش کشیدیم. ما نمی‌توانیم اعراب را و مقدرات اعراب را از خودمان جدا بدانیم، مقدرات سایر کشورها را از خودمان جدا بدانیم، همه‌جا اسلام است و همه مسلمان که ما هم از جمله آن‌ها هستیم» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ص ۳۰۵). «ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم...، زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرق قائل نمی‌شود و پشتیبان تمام ضعیفان جهان است. از طرفی دیگر، تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی مان بسته‌اند و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم، قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد». اعتقاد امام خمینی بر این است و این را با قاطعیت اعلام می‌کنند که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان، از پای نخواهیم نشست (قربانزاده، ۱۳۸۶: ص ۱۵۴). این مطلب ناشی از دیدگاه توحیدی امام است، نه تکیه بر قدرت حکومتی محض. این تکلیف نیز یک مسلمان را در چمبره فضای بین‌الملل، وادار به تعامل و اثرگذاری و اثرپذیری می‌کند.

– حضور یک مسلمان در دیگر کشورها (مسافرت، تبلیغ، هجرت): اگر در قبال دیگران هیچ تکلیف اسلامی هم نداشته باشیم، باز هم در زندگی شخصی و خصوصی مان اموری وجود دارد که ما را به شبکه تعامل با قوانین بین‌الملل برمی‌گرداند: به عنوان مثال:

- تبلیغ اسلام و وظیفه تک‌تک مسلمانان به انحاء و اشکال مختلف است؛ جهاد واجب است، اما خداوند یادگیری و یاددهی اسلام را نیز در درجه جهاد و جایگزین جهاد دانسته است.^۱
- مسافرت و مهاجرت برای اهداف معقول و منطقی مثل اشتغال، تحصیل، سیاحت و فراغت، اعم از مادی یا معنوی، مورد تأیید و تأکید اسلام است. در دیوان منسوب به امام علی (علیه السلام) آمده است: برای نیل به تعالی و ترقی، از وطن‌های خود دور شوید و مسافرت کنید که در سفر پنج فایده است که عبارت‌اند از: ۱. تفریح و انبساط روح؛ ۲. تحصیل درآمد؛ ۳. علم و تجربه؛ ۴. آداب زندگی؛ ۵. دوستی با افراد بافضیلت. همان‌طور که آب وقتی در جریان باشد پاکیزه می‌شود و اگر یک‌جا بماند رنگش به زردی می‌گراید، انسان نیز در سفر تازه می‌شود.

- گاهی هجرت برای حفظ دین‌داری ضرورت دارد؛ افرادی هستند که وقتی فرشتگان الهی

۱. «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه: ۱۲۲).

برای قبض روحشان می‌آیند، پرونده آن‌ها را خیلی خراب می‌بینند. از آن‌ها می‌پرسند که چرا شما این‌گونه هستید؟ آن‌ها پاسخ می‌دهند که ما در گوشه‌ای از زمین مستضعف بودیم و قدرتی نداشتیم! ملائکه از آنان سؤال می‌کنند که مگر زمین خداوند آن قدر وسعت نداشت که در آن مهاجرت کنید؟^۱

• بعضی از سفرهای زیارتی واجب یا مستحب مؤکد است؛ مثل سفر حج، زیارت امام حسین (علیه السلام) و دیگر ائمه معصومین (علیهم السلام).

ج- قوانین بین الملل

از سوی دیگر، ما و کشورمان نیز ذیل قوانین بین الملل تعریف می‌شویم؛ قوانین و فضای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی متعددی در سازمان‌های بین المللی و کشورهای دیگر حاکمیت رسمی و غیررسمی دارند و بخواهیم یا نخواهیم بر سبک زندگی ما در کشور، جامعه و خانواده ما اثر می‌گذارند. این تأثیرپذیری قابل بررسی جدی است؛ آن سازمان‌ها و قوانین بین المللی اسلامی نیستند، ولی بر کشور ما هم حاکمیت فی الجمله دارند؛ برای مثال قیمت طلا در کشورهای دیگر تغییر می‌کند و زندگی ما را نیز متأثر می‌کند، چون در اقتصاد کلان ما به عنوان معیار سنجش اقتصادی، در خانواده‌های ما به عنوان واحد سرمایه و نیز به عنوان زینت حضور جدی دارد. قیمت ارزهای کشورهای دیگر تغییر می‌کند و صادرات و واردات ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آثار نهایی آن به مصرف‌کنندگان، اعم از افراد، خانواده‌ها و مجموعه‌های تولیدی منتقل می‌شود. با انواع کالاهایی که از کشورهای دیگر وارد و مصرف می‌کنیم، ذائقه‌های فرهنگی و اقتصادی مان را در اختیار آن فرهنگ و آن تولیدکننده‌ها قرار داده‌ایم و در کنار آن کالا، فرهنگ مصرف آن را هم می‌گیریم، زبان مربوط به آن را نیز به رسمیت می‌شناسیم، حضور اقتصادی آن شرکت در اقتصادمان را به رسمیت می‌شناسیم؛ اگر متقابلاً به اندازه کافی صادرات به آن کشور و آن فرهنگ نداشته باشیم، به صورت یک طرفه به سوی وابستگی می‌رویم.

تحریم‌ها در یک جامعه وابسته، در تمام زندگی از معاملات بانکی گرفته تا مواد غذایی، دارویی و ضروریات زندگی، از انواع تکنولوژی گرفته تا انواع راه‌های توسعه علمی، از تجهیزات نظامی و هوا-فضا گرفته تا وسایل خانگی از قبیل یخچال و ماشین لباسشویی اثر می‌گذارد؛ این‌ها و ده‌ها مورد کلی و جزئی دیگر مثل این‌ها از مواردی است که به طور خودکار، سبک زندگی افراد

۱. «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا...» (نساء: ۹۷).

را تحت تأثیر فضای بین الملل قرار می دهد. گاهی یک سازمان بین المللی تصویب می کند که فلان امکانات یا ظرفیت علمی به یک کشور داده شود یا نشود؛ آنان با یک قانون ممکن است در دورافتاده ترین روستاها و در بین ضعیف ترین قشر مردم در کشوری دیگر، موجب مرگ یا بیماری افراد بسیاری شوند. ارتباطات گسترده از طریق فضای مجازی، نظریه های مربوط به جهانی سازی، تنوع و تکثر رسانه ای، همه و همه، دلالت بر این دارند که هیچ سبک زندگی فردی ای نمی تواند بدون توجه به فضای بین الملل شکل بگیرد و به درستی ادامه یابد.

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

سؤال اصلی پژوهش این بود که «حکومت اسلامی و قوانین بین الملل چه مقدار و چگونه در سبک زندگی مردم و جامعه ایفای نقش می کنند؟»؛ برای پاسخ دادن به این سؤال، در ابتدا به این نکته توجه داده شد که تغییر و اصلاح سبک زندگی را باید در پنج دایره متحدالمرکز ملاحظه کرد که بیرونی ترین دایره هایش عبارت اند از: «حکومت» و «قوانین و مقررات بین الملل»؛ همچنین، در نظریه پردازی برای «سبک زندگی اسلامی» باید از رویکرد «بررسی مفهومی» عبور کرد و با رویکرد «اصلاح اجتماعی» به این بحث نگاه کرد. آنگاه با استفاده از متون دینی، معلوم شد که احکام و آموزه های اسلامی به گونه ای است که بدون حکومت نمی توان اسلام واقعی را اجرا کرد، بلکه ایجاد حکومت اسلامی ضرورت دارد؛ سپس از زبان آیات و روایات نشان داده شد که حکومت و آنچه در اختیار اوست، همچون چتری بزرگ و وسیع، تمام ریز و درشت زندگی انسان ها را تحت سیطره و حاکمیت خود دارد؛ در انتها توضیح داده شد که اگر بخواهیم «سبک زندگی در مقیاس حکومتی» تغییر یابد، باید مکانیسم های متعددی را در سه سطح فردی، سازمانی، و نهادهای حاکمیتی به کار بگیریم که علوم انسانی در ارائه این مکانیسم ها نقش مهمی را برعهده خواهند داشت.

علاوه بر «حکومت»، «فضا و قوانین سازمان های بین المللی» نیز، به عنوان بیرونی ترین دایره، بر دایره های داخلی تأثیر فراوان دارد. برای روشن شدن این مطلب، چند مقدمه ذکر شد: الف) اسلام جهان شمول است؛ منطقه ای و قومی نیست، پس به ما اجازه نمی دهد که سر در لاک خود کرده و نسبت به فضای بین الملل منزوی باشیم؛ ب) حتی اگر بخواهیم منزوی باشیم، فضای بین الملل و کشورهای دیگر دنیا ما را به حال خود نخواهند گذاشت، بلکه به دنبال سلطه بر ما خواهند بود؛ ج) اسلام نه تنها جهانی است و برای همه مردم است، بلکه برای پیروان خود تکالیفی مشخص کرده است که مربوط به فضای بین الملل می شود؛ برای مثال، تبلیغ اسلام مرز نمی شناسد؛ یاری مستضعفان محدود به مرزها و اقوام و نژادهای خاص نمی شود، بلکه عمومیت دارد؛ علم آموزی،

ضرورت تام دارد، ولو لازم باشد که به دورترین نقاط جهان سفر کنیم. انواع سفرها و مهاجرت‌ها به همه‌جای دنیا ضرورت دارد. با این مقدمات مشخص شد که انزوا امکان ندارد؛ انزوا مطلوب نیست؛ ارتباط و تماس با فضای بین‌الملل باید در سطوح حکومتی و فردی شکل بگیرد؛ هر قدر این ارتباط و تماس بیشتر و متنوع‌تر باشد، میدان اثرگذاری و اثرپذیری بیشتر است؛ اگر قوی باشیم، اثرگذار خواهیم بود و اگر ضعیف باشیم، به‌ناچار، اثرپذیر خواهیم شد؛ بنابراین، پاسخ سؤال پژوهش به‌درستی و به‌طور کامل معلوم شد.

کتابنامه

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه. ۱۳۸۰. ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات مشهور.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. ۱۳۹۴. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم. قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن هشام، عبدالملک. ۱۳۷۵ه.ق. سیره نبویه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. امام خمینی، سید روح الله. ۱۳۶۸. وصیت نامه الهی-سیاسی امام. تهران: دفتر نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
۶. _____ . ۱۳۹۲. حکومت اسلامی و ولی فقیه. تبیان: دفتر چهل و پنجم. تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. _____ . بی تا. صحیفه نور. ج ۴. تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. باهر، حسین. ۱۳۵۷. انقلاب اسلامی و ولایت مجتهد. قم: نشر چهر.
۹. التمیمی الآمدی، عبدالواحد بن محمد. ۱۴۲۰ق. تصنیف غررالحکم و دررالحکم. قم: الحوزه العلمیه بقم، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۵. اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی. تهران: رجاء. چاپ پنجم.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله و دیگران. ۱۳۹۵. مفاتیح الحیات. قم: اسراء.
۱۲. حرالعالمی، محمد بن الحسن. ۱۴۱۶ق. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: مؤسسه آل البيت (ع)، الاحیاء التراث.
۱۳. حسین آبادی، معصوم؛ ژیانباقری، معصومه. ۱۳۹۷. ابعاد نه گانه سبک زندگی اسلامی و شادکامی؛ شناختی-عاطفی-اجتماعی زنان. کرج: آوای آرامش.
۱۴. حقیقت، سید صادق. ۱۳۸۷. مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۷. بیانیه گام دوم انقلاب. بیرجند: معاونت فرهنگی اجتماعی دانشگاه بیرجند.
۱۶. رحمان ستایش، محمدکاظم؛ صفری فروشانی، نعمت الله. ۱۳۸۵. حکومت اسلامی در اندیشه فقیهان شیعه. ج ۱ و ۲. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۷. رضایی بیرجندی، علی. ۱۳۹۲. سبک زندگی از منظر امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه.

- بیرجند: نشر چهار درخت.
۱۸. سجادی، سید عبدالقیوم. ۱۳۸۱. دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام (۱). فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۹، ص، ۱۹۱.
۱۹. شیروانی، علی (به کوشش). ۱۳۸۵. نهج الفصاحه. قم: انتشارات دارالفکر.
۲۰. الصدوق القمی، ابی جعفر. ۱۳۹۰ه ق. من لایحضره الفقیه. تصحیح شیخ محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. عبداللهی، حامد. ۱۳۹۲. «مجمع جهانی اهل بیت (ع)». مجموعه مقالات همایش علمی پژوهشی سبک زندگی اهل بیت (ع). قم: مجمع جهانی اهل بیت.
۲۲. فیروزی، احمد؛ محسنی، سمیه. ۱۳۹۳. چکیده مقالات همایش ملی نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی. تهران: جهاد دانشگاهی.
۲۳. قربانزاده، قربانعلی. ۱۳۸۶. روابط بین الملل از دیدگاه امام خمینی (ره). تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (ره).
۲۴. قلی پور، آرین. ۱۳۸۴. نهادها و سازمانها (اکولوژی نهادی سازمانها). تهران: سمت.
۲۵. کاویانی، محمد؛ حاجیانی، محمدرضا. ۱۳۹۵. «سبک زندگی اسلامی در خانواده از دیدگاه آیت الله جوادی آملی». مجله پژوهشنامه تربیت اسلامی. شماره ۱. صص ۱۰۵-۱۳۲.
۲۶. کاویانی، محمد؛ فولادی، حفیظ الله. ۱۳۹۵. «نقش جامعه در تغییر و اصلاح سبک زندگی افراد». مجله معرفت. سال بیست و پنجم. ش ۲۳۱. صص ۴۰-۲۷.
۲۷. کاویانی، محمد. ۱۳۷۷. «جایگاه مفهومی ایمان در روان شناسی اجتماعی». فصلنامه حوزه و دانشگاه. دوره ۴. شماره ۱۶. صص ۱۱۵-۱۲۹.
۲۸. _____ ۱۳۹۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۹. _____ ۱۳۹۹. روان شناسی و تبلیغات، با تأکید بر تبلیغ دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ هشتم.
۳۰. _____ ۱۴۰۰ الف. درسنامه سبک زندگی، با رویکرد تجویزی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ چهارم.
۳۱. کلینی، محمد ابن یعقوب. ۱۴۱۳. الأصول من الکافی. قم: المكتبة الاسلامیه.
۳۲. المتقی الهندی، علی بن حسام الدین. ۹۷۵ ه. ق. کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال (ط. الرسالة). بیروت: مؤسسه الرساله.

۳۳. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۱۳ق. بحارالانوار. بیروت: دارالاضواء.
۳۴. مجمع، محمدرضا؛ قریشی، زهرا. ۱۳۹۱. مدیریت سبک زندگی. تهران: انتشارات مجمع.
۳۵. مرتضایی، سید احمد. ۱۳۹۲. مبانی و سازوکارهای نظارت در حکومت اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی.
۳۶. میرزایی، کبری. ۱۳۹۳. «بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تمایل به تغییر سبک زندگی معلمان دبیرستان‌های دخترانه شهر ایلام با تأکید بر برنامه‌های تلویزیونی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
۳۷. نیکنام راد، سید محمدغفار. ۱۳۹۵. سبک زندگی، فرهنگ، خانواده و رسانه. تهران: انتشارات پشتیبان.
۳۸. هاشمی شاهرودی، محمود. ۱۳۸۲. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.
۳۹. همدانی، رفیع‌الدین اسحاق‌بن محمد (ترجمه و انشا). ۱۳۶۱. سیرت رسول‌الله. تصحیح جدید و مقدمه اصغر مهدوی. تهران: خوارزمی.